

بررسی مقایسه‌ای بین تحلیل محتوای کتاب‌های درسی
فارسی و حرفه‌وفن، روشهای تدریس معلمان و شیوه‌های
فرزندپروری والدین در پرورش خلاقیت در دختران دوره
راهنمایی شهر تهران

دکتر کیانوش هاشمیان*
سهیلا هاشمی کوچکسرایبی

چکیده:

در این تحقیق تحلیل محتوای کتابهای درسی فارسی و حرفه‌وفن، شیوه
تدریس معلمان و تأثیر آن بر رشد و پرورش خلاقیت دانش‌آموزان به عنوان
عوامل درون مدرسه و همچنین تأثیر شیوه‌های فرزندپروری والدین و نقش
آن‌ها در رشد خلاقیت دانش‌آموزان بررسی شده است.

مبنای این پژوهش، روش کیفی بوده و در جمع‌آوری اطلاعات از شیوه مثلث‌سازی استفاده
گردیده است. به همین منظور از تمام دانش‌آموزان دو مدرسه راهنمایی منطقه ۲ تهران آزمون
خلاقیت جمال عابدی به عمل آمد. از میان این گروه نمونه‌های افرطی و تفریطی به تعداد ۲۰ نفر
انتخاب گردید و با والدین این دانش‌آموزان جهت بررسی شیوه‌های فرزندپروری آنان در رشد

خلاقیت مصاحبه انجام گرفت. هم‌چنین با تمامی معلمان فارسی و حرفه‌وفن در مدارس مورد نظر (جمعاً ۱۲ تن) برای بررسی شیوه تدریس آنان مصاحبه صورت پذیرفت. محتوای کتاب درسی فارسی و حرفه‌وفن و نقش آن‌ها در رشد و پرورش خلاقیت دانش‌آموزان مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که محتوای کتب درسی، در رشد خلاقیت دانش‌آموزان کم‌ترین نقش را ایفا می‌کند. در مقابل، شیوه تدریس بعضی از معلمان شرایط مناسبی را جهت رشد و پرورش خلاقیت دانش‌آموزان فراهم می‌آورد. در مجموع، ملاحظه گردید که شیوه‌های فرزند‌پروری والدین به عنوان عامل برون مدرسه، در رشد و پرورش خلاقیت دانش‌آموزان نسبت به عوامل درون مدرسه از وضعیت مناسب‌تری برخوردار است.

طرح مسأله و اهمیت آن

«تنها از بر کردن دانستن نیست، نباید مغز را انباشت بلکه باید آن را پرورش داد.» مونتینی

(۱۵۹۲-۱۵۲۳)

برخلاف این حقیقت که ما از قدیم به مطلوب بودن رشد مهارت‌های خلاق و تفکر دانش‌آموزان توجه خاص مبذول داشته‌ایم، مدارس به برنامه‌هایی که عمده‌اً برای پرورش این مهارت‌ها طرح‌ریزی شده‌اند، توجه اندکی به عمل آورده‌اند. از آنجا که نظام آموزش و پرورش ایران یک نظام متمرکز بر مواد و برنامه درسی می‌باشد، توجه به انتخاب مواد درسی و شیوه تدریس مناسب، از اهمیت بسیاری برخوردار می‌باشد. در زمینه انتخاب مواد درسی باید دقت شود که این مواد طوری انتخاب شود که با «روح خلاقیت» و تفکر خلاق، متباین نباشد، روح علمی و تحقیق و تأمل را در دانش‌پروژه برانگیزاند و نه تنها او را کسل و خسته نکند بلکه اشتیاق و شوری هم در او به وجود آورند و باید این محتوا از مثنی مواد حفظی و تکراری پدید نیامده باشد که دانش‌آموز را مقلد بار آورد. اگر کار بر این سیاق استوار گردد «خلاقیت» از میان خواهد رفت. به هر حال، محتوای مواد درسی اثر مستقیمی در تربیت دانش‌آموزان دارد. از آنجا که رفتار انسان‌ها مستقیماً تحت تأثیر تجربیات و معلومات آنها می‌باشد، کتاب‌های درسی به‌عنوان عنصری از

محتوای برنامه درسی در ارائه این معلومات و اطلاعات نقش مهمی ایفا می‌نماید. (صفاحی مقدم، محمدتقی، ماهنامه آموزش و پرورش، ۱۳۵۵)

نوع مضامین و مفاهیم مورد استفاده، چگونگی سازماندهی، اهمیت و ارزش مطالب، تناسب محتوا، جنبه‌های مختلف رشد یادگیرنده و بالاخره چگونگی و نوع اثری که بر یادگیرنده بر جای می‌گذارد، از جمله ابعادی است که اهمیت این عنصر آموزشی را در ارائه صحیح معلومات و تجربیات نشان می‌دهد. کتاب‌های درسی می‌تواند در روند آموزشی نقش دوگانه ایفا نماید. از یک طرف مطالب را به شکلی مشخص و معین و کاملاً آماده در اختیار یادگیرنده می‌تواند قرار دهد که به این ترتیب حداقل انگیزه را از یادگیرنده جهت تفکر، درگیر شدن در امر یادگیری، اکتشاف، درونی ساختن اطلاعات، استفاده به موقع و صحیح آن در موقعیت‌های جدید یادگیری، سلب می‌نماید و یادگیرنده تنها به حفظ کردن مطالب و تکرار تجربیات و یافته‌های دیگران می‌پردازد. از طرف دیگر کتاب‌های درسی با ارائه مطالبی مناسب یادگیرنده را در امر یادگیری می‌تواند درگیر سازد. و او را به تفکر و تعقل و حساس شدن نسبت به مسائل عادت دهد و در نهایت یادگیرنده را به استفاده از معلومات و تجربیات قبلی در برخورد با مسائل فعلی و یافتن راه‌حل‌های جدید ترغیب نماید. به عبارتی بایستی در طرح مطالب کتاب‌های درسی به پرورش تفکر و اگر توجه نمود به گونه‌ای که طی آن ذهن یادگیرنده آن‌طور که هاجینسون در مورد اندیشیدن با بینش عنوان می‌کند از داده‌های اولیه و منطق متعارف فراتر رود و اجزاء مسئله یا پرسش مورد نظر را به گونه‌ای در کنار هم قرار دهد که سبب ارائه پاسخ‌های نو و بدیع گردد. در این پژوهش به منظور بررسی نقش کتب درسی در رشد خلاقیت کتاب‌های فارسی و حرفه‌وفن به دلیل آن که نمونه‌های گویاتری از دو بخش خلاقیت کلامی و غیر کلامی می‌باشند، به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. معلمین یکی دیگر از عناصر اساسی آموزش می‌باشند که با به کارگیری روش اکتشافی در امر تدریس، روبه‌رو ساختن دانش‌آموزان با مسائل و معماها و تحریک کنجکاوی آن‌ها، می‌توانند دانش‌آموزان را در امر مشارکت برای یافتن راه‌حل و درگیر ساختن آن‌ها در امر یادگیری ترغیب نمایند. از این‌رو اتخاذ شیوه‌های تدریس مناسب و فعال از سوی معلمین و تربیت معلمینی خلاق توسط دوره‌های تربیت معلم از اهمیت بسیاری برخوردار می‌باشد.

از آن‌جا که دانش‌آموزان دوره راهنمایی کشورمان در رده سنی ۱۵-۱۲ سالگی می‌باشند و این مرحله سنی بنا به نظر روان‌شناسان رشد، مرحله تفکر انتزاعی یا به عبارتی مرحله‌ای است که نوجوان می‌تواند در برخورد با مسأله به‌طور فرضی - استنتاجی عمل کند یعنی فرضیه‌سازی کند و راه‌حل‌های فرضی ارائه دهد و براساس فرضیات خود به استنتاج برسد. هم‌چنین در این مرحله تفکر او دارای انعطاف‌پذیری است بطوری که به راحتی می‌تواند از یک موضوع به موضوع دیگری بپردازد و به احتمال زیاد از نتایج غیرعادی به دست آمده، سر در گم نشود، زیرا قادر به پیش‌بینی احتمالات است. از این رو، توجه به ویژگی‌ها، توانائی‌ها و نیازهای رشدی دانش‌آموزان در تدوین کتب درسی و برنامه‌ریزی‌های درسی از اهمیت بسیاری برخوردار است.

یکی دیگر از عوامل مؤثر در رشد خلاقیت، خانواده است. والدین با اتخاذ شیوه‌های مناسب در تربیت فرزندان و در نظر گرفتن عوامل مؤثر در شکوفایی استعدادها و بالقوه آن‌ها می‌توانند، زمینه لازم را در رشد خلاقیت کودکان فراهم سازند. روش تربیت آزاد منبسطه همراه با انضباط، دارا بودن ارتباط عاطفی متعادل، دادن استقلال به کودکان و به دنبال آن شکل‌گیری احساس مسئولیت در آنان و ... همگی می‌توانند از راهبردهای مؤثر جهت رشد خلاقیت در کودکان از سوی والدین باشد.

اهداف پژوهش

- ۱) مشخص ساختن مفهوم خلاقیت و روشن نمودن اهمیت رشد و پرورش آن
- ۲) تحلیل محتوای کتاب‌های درسی (فارسی و حرفه و فن) و روشن نمودن نقش آن کتاب‌ها در فراهم ساختن شرایط مناسب برای رشد و پرورش خلاقیت
- ۳) بررسی شیوه تدریس معلمان فارسی و حرفه و فن دوره راهنمایی به‌عنوان یکی از عوامل اساسی در شکل‌گیری و رشد خلاقیت دانش‌آموزان
- ۴) بررسی شیوه‌های فرزندپروری والدین و تأثیر آن در بروز خلاقیت در فرزندان
- ۵) بررسی و مقایسه خلاقیت در دانش‌آموزان مدارس دولتی و غیرانتفاعی

۶) ارائه پیشنهاداتی به برنامه‌ریزان و مؤلفان کتب درسی و دبیران دوره راهنمایی در جهت بهبود اهداف و برنامه‌های درسی و شیوه‌های تدریس به منظور رشد خلاقیت در دانش‌آموزان

پیشینه تحقیق :

از آنجا که خلاقیت فرآیندی است که به در حالت مختلف و با اشکال متفاوت می‌تواند وجود داشته باشد. تعریف جامع و کاملی که همه جوانب را در بر گیرد، نمی‌توان ارائه داد. گروهی خلاقیت را به عنوان یک تولید ابتکاری با کیفیت، در هر زمینه‌ای، خصوصاً هنر، تعریف می‌کنند. بنابراین بتهوون، ون‌گ‌وگ و جیمز جویس به طور نمونه هنرمندان خلاق، انیشتین، فلمینگ، به عنوان دانشمندان خلاق نام برده می‌شوند.

تصور دیگر ارجاع به ابتکار را به حداقل می‌رساند و تولید یا خلق هر نوع فرآورده‌ای را خلاقیت به شمار می‌آورد. به این معنی تمام مجموعه‌های ساخت بشر عنصری از خلاقیت دارد و معماران و هنرمندان خلاق هستند، ولو اینکه آنها فقط وظایف‌شان را در حد معمول و مورد قبول اجرا کرده باشند.

سومین تصور در این زمینه، کیفیت را نادیده می‌گیرد و خلاقیت را بیش از یک تولید نمی‌بیند. پروفیسوری که مقالات بیشتری از دیگری منتشر می‌کند یا شخصی که مدل‌های بیشتری قوطی کبریت تولید می‌کند، خلاقیت بیشتری دارند، بدون آن که کیفیت آن چه که تولید می‌شود در نظر گرفته شود. گروه دیگر بر آن چه که در ذهن شخص می‌گذرد یا فرآیندهای خاص روان‌شناختی، بدون در نظر گرفتن کمیت یا کیفیت، تاکید دارند. سرانجام خلاقیت با توانایی حل مسأله، دارا بودن دیدی ابتکاری و هوشمندانه نسبت به مسأله به عنوان نشانی از ذهن خلاق تداعی می‌شود. (بارو و میل‌برن ، ۱۹۹۰)

به لحاظ پیچیدگی کنش خلاق و ابهام در ماهیت خلاقیت، از اصطلاح خلاقیت، تعاریف و تفاسیر متعددی موجود است از نظر تورنس^۱ (۱۹۶۵) تفکر خلاق عبارت است از فرآیند حس کردن مشکلات، مسائل، اختلاف نظرها درباره اطلاعات، خطا کردن در عناصر و عوامل اشیاء و مواردی از این قبیل، حدس زدن و تشکیل فرضیات درباره این کمبودها، ارزیابی و آزمایش این حدس‌ها و فرضیه‌ها، احتمالاً اصلاح و آزمایش مجدد آنها و نهایتاً مرتبط ساختن نتایج. (پنیک، ۱۹۸۳)

استرن برگ^۲ (۱۹۸۹) خلاقیت را اینگونه تعریف می‌کند: "خلاقیت ترکیبی است از قدرت ابتکار، انعطاف‌پذیری و حساسیت در برابر نظریاتی که یادگیرنده را قادر می‌سازد، خارج از نتایج تفکر نامعقول به نتایج متفاوت و مولد بیندیشد که حاصل آن رضایت شخصی و احتمالاً خشنودی دیگران خواهد بود." (به نقل از کفایت، محمد، ۱۳۷۲)

از آن جا که عوامل متعددی در رشد و پرورش خلاقیت کودکان مؤثر می‌باشد، در این پژوهش سعی شده است نقش دو عامل درون مدرسه (کتاب‌های درسی و شیوه تدریس معلمین) و عامل برون مدرسه (خانواده) مورد بررسی قرار گیرد.

خانواده به عنوان اولین کانون رشد و پرورش خلاقیت کودکان می‌تواند بستر مناسبی جهت بالفعل ساختن استعدادهای بالقوه کودکان از جمله خلاقیت باشد. تحقیقات بسیاری در زمینه نقش خانواده در شکوفایی خلاقیت کودکان صورت گرفته است. در تحقیقی کروپلی^۳ والدین کودکان خلاق را با والدین کودکان غیرخلاق مقایسه می‌کند و چنین می‌گوید: "والدین کودکان مؤکداً معتقدند که تا حدود زیادی به کودکان استقلال داده شود در صورتی که والدین کودکان غیرخلاق هرگز به فرزندشان اجازه نمی‌دهند حتی برای تفریحاتش تصمیمی بگیرد فرزندشان را با قدرت و نفوذ لازم حفظ می‌کنند..." (به نقل از جاویدی کلاته، ۱۳۷۳)

1- Torrance

2- Sternberg

3- Kroply

گورتزل و گورتزل^۱ (۱۹۶۲) در نتیجه گیری خود از شرایط پرورشی محیط خانوادگی ۴۰۰ نفر از افراد برجسته قرن بیستم و تأثیر آن بر ایجاد توانایی های خلاق این افراد بیان کرده اند: محیط خانوادگی دوران کودکی تقریباً همه کسانی که سرانجام انسان های برجسته ای می شوند، آکنده از عشق به یادگیری است ... حداقل در یکی از والدین همه این ۴۰۰ نفر زن و مرد یک علاقه نیرومند نسبت به دستاوردهای ذهنی خلاق وجود داشته است. (سیف، علی اکبر، روان شناسی پرورشی، ۱۳۷۱، ص ۵۵۵)

آماایل^۲ شیوه هایی که می تواند توسط والدین در ارتباط با فرزندانشان به کار گرفته شود و سبب رشد و برانگیختن خلاقیت در آنها شود بدین ترتیب ذکر می نماید:

آزادی: پدر و مادری که معتقد به دادن آزادی های زیادی به کودکان شان هستند زمینه را برای داشتن کودکان خلاق فراهم می سازند. این دسته از والدین آمرانه عمل نمی کنند، دائماً سعی ندارند کودکان خود را کنترل نمایند و فعالیت های کودکان را محدود نمی سازند.

احترام: کودکان خلاق پدران و مادری دارند که برای آنها به عنوان یک فرد احترام قائل هستند، به توانایی های آنها ایمان داشته و معتقدند که آنها منحصر به فردند. این گونه کودکان طبیعتاً اعتماد به نفس خود را برای انجام کارهای مخاطره آمیز و مبتکر بودن افزایش می دهند.

اعتدال در نزدیکی عاطفی: خانواده های کودکان خلاق در ارتباطشان با کودک اعتدال را رعایت می کنند، آنها معتقدند کودکان نباید بیش از اندازه به والدین وابسته باشند اما باید بدانند که مورد علاقه و قبول آنها قرار دارند.

ارزش ها نه قوانین: والدین کودکان خلاق در منزل قوانین زیادی وضع نمی کنند. آنها به عوض تعیین قوانین خاص، مجموعه روشنی از ارزش ها درباره کارهای صحیح و غلط ارائه می دهند و آنها ارزش ها را با رفتار خود به عنوان الگویی برای کودکان به نمایش در می آورند و کودکان خود را تشویق می کنند که دریابند کدام رفتار نماینده آن ارزش ها است.

1- Gortzel and Gortzel

2- Amabile

نیل به دستاورد، نه نمره: والدین کودکان خلاق معمولاً دارای احساس امنیت نسبت به خود بوده، به دنبال موقعیت اجتماعی نیستند و در مقابل خواست‌های اجتماع نسبتاً مصون می‌باشند. تصویر ذهنی از آینده: والدین کودکان خلاق تصویر ذهنی روشنی از آینده کودک خود به عنوان یک فرد مستقل و مجزا، شایسته احترام و محبت دارند که می‌توان انتظار داشت در هر شرایطی به صورت یک فرد پای‌بند اخلاق و مسئول عمل کند. به علاوه به آن کودک به چشم شخصی نگاه می‌کنند که قادر است کارهای بزرگ و خلاق را با تمام استعدادها و مهارت‌هایی که دارا می‌باشد انجام دهد. شوخ طبعی و قدردانی از خلاقیت کودکان از دیگر ویژگی‌های خانواده‌های کودکان خلاق می‌باشد. (آماییل، ترزا، شکوفایی خلاقیت کودکان، ۱۳۷۵، صص ۱۱۴-۱۱۹)

شیوه تدریس و یا در بعدی وسیع‌تر شیوه کلاس‌داری معلمین از عوامل اساسی در شکوفایی خلاقیت دانش‌آموزان می‌باشد. هیدون و لیتون^۱ (۱۹۶۸) دو مدرسه رسمی و غیررسمی را با هم مقایسه کردند. از ویژگی‌های مدارس رسمی رویکرد سلطه‌جویانه در یادگیری و تدریس آنهاست، در حالیکه مدارس غیررسمی احتمالاً یادگیری خودانگیزانه و شرکت بیشتر دانش‌آموزان را تأکید می‌کنند. منابع نشان داد که دانش‌آموزان مدارس غیررسمی پیوسته در اندازه‌گیری تفکر خلاق بهتر از دانش‌آموزانی که از نظر هوشی و وضع اجتماعی اقتصادی مانند آنها بودند ولی در مدارس رسمی‌تر به تحصیل اشتغال داشتند، عمل کردند. (لفرانکوئیس، گای آر، روان‌شناسی برای آموزش، ۱۳۷۰، صص ۳۸۱-۳۸۲)

تحقیقات انجام شده در ایران (شهرآرای، آذر، ۱۳۶۹) نشان داده است که معلمین پرورش‌دهنده خلاقیت در کنار نگرش مثبتی که نسبت به پویایی و خلاقیت دارند، با ابراز علاقه و احترام و برقراری ارتباط عمیق با یادگیرندگان - بخصوص در دوره ابتدایی - پویایی را در آنها تقویت می‌کنند. نتایج مطالعات انجام شده (شهرآرای، ۱۳۶۹) نشان داده است که این معلمان نه تنها از

انتقادهای یادگیرندگان خود آورده نمی‌شوند، بلکه آن‌ها را تشویق به اظهار نظر و بیان انتقادهای خود می‌کنند.

در نظر خواهی که در سال ۱۳۶۹ با همکاری دانشجویان تربیت معلم و دانشگاه شهید بهشتی انجام شد، بسیاری از معلمان پرورش دهنده خلاقیت، با اعتقاد راسخ به این که "دانستن یک فرآیند است و نه یک نتیجه" مخالفت خود را با روش "تدریس معلم مدار" که عمدتاً بر تقلید قالبی و غالباً از پیش طرح شده است، بیان کردند. آن‌ها روش "تدریس یاد گیرنده مدار" را که در آن یادگیرنده با به کارگیری مکانیسم‌های حسی و تحلیلی خود بطور فعال در یادگیری مشارکت دارد تأیید کرده و از آن استفاده می‌کنند. (شهرآرای، مهرناز، بسوی تعلیم و تربیت پویا، ۱۳۷۲، ص ص ۴۳۷-۴۴۹)

وندل و هایزر^۱ در مطالعه کیفی خود از طریق مشاهده نوارهای ویدیویی دریافتند، حفظ یک حضور فیزیکی نزدیک با دانش آموزان همراه با تماس مکرر به صورت حرکت در کلاس توسط این معلمین یکی از ویژگی‌های بارز آن‌ها می‌باشد. هر معلم بالای سر هر دانش آموز می‌ایستد و در حالیکه آن‌ها مشغول انجام کار بودند به طور انفرادی با انداختن دست به دور شانه‌های دانش آموز و تماس صمیمانه با آن‌ها صحبت می‌کرد. (وندل و هایزر، ۱۹۸۹)

در تحقیقی که مارگرت بیکر و برایان ماور کالج^۲ در زمینه تأثیر خلاقیت معلم بر روی خلاقیت دانش آموزان انجام دادند، دریافتند معلمینی که از لحاظ کلاسی خلاق هستند خلاقیت کلاسی را در دانش آموزان‌شان بر می‌انگیزند. (بیکر و ماور کالج، ۱۹۷۹)

مطالعات و تحقیقات گوناگون نشان داده‌اند مریبان تأثیر بسیار زیادی نه تنها بر موفقیت تحصیلی کودک بلکه بر روش کودک در قبال مدرسه و به طور کلی بر یادگیری دارند.

به همین نحو، مریبان توانایی تضعیف حس کنجکاوی طبیعی کودکان را داشته و می‌توانند انگیزه آن‌ها از میان ببرند، حس احترام به خود را در آن‌ها سرکوب کنند و مانع از خلاقیت آن‌ها

1- Wendel & Heiser

2- Baker & Mowr College

گردند. در بعضی جهات مریدان خیلی خوب (یا خیلی بد) می‌توانند نفوذی بسیار قوی‌تر از پدران و مادران بر روی کودکان داشته باشند. زیرا آن‌ها فرصت‌هایی بیش از پدران و مادران برای برانگیختن و یا تضعیف خلاقیت در اختیار دارند. اغلب کودکان در هفته‌ها زمان بیشتری را با مریدان خود می‌گذرانند تا با پدران و مادران‌شان.

مهم‌ترین راهی که مریدان از آن طریق می‌توانند خلاقیت را در کودکان ترغیب نمایند حمایت از انگیزه درونی آن‌ها می‌باشد. انگیزه درونی هنگامی رشد می‌کند که مریدان، به دادن استقلال نسبی به کودکان در کلاس درس معتقد باشند. گروهی از پژوهشگران از کودکان کلاس پنجم خواستند متنی در مورد مطالعات اجتماعی را بر طبق سه دستورالعمل مختلف از جانب مریدان بخوانند. دستورالعمل‌های هدایت نشده به منظور دادن استقلال بیشتر در مطالعه متن به کودکان طرح شده بود. دستورالعمل‌های آزاد اما هدایت شده به منظور دادن استقلال زیاد به همراه دستورالعمل‌های یادگیری خاص تهیه شده بود، بالاخره دستورالعمل‌های کنترل شده و هدایت شده در حقیقت استقلال کودک را محدود نمود. در این شرایط به آنها دقیقاً گفته شد که مریدان چه انتظاری از آن‌ها دارد. سپس کودکان در هر سه گروه از نظر یادگیری بدون تفکر متن و نیز یادگیری مفاهیم ایده‌های موجود در متن (درک آن‌ها از نکات متن که نویسنده سعی در بیان آن داشته است) مورد آزمون قرار گرفتند. نتایج نشان داد کودکانی که در شرایط آزاد (دارای استقلال) اما هدایت شده قرار داشتند، نتایج بهتری از خود نشان دادند. آن‌ها علاقمند بودند، احساس فشار یا تنش نداشتند، هم در یادگیری بدون تفکر و هم در یادگیری مفاهیم، بسیار خوب عمل کرده بودند. توانایی بالقوه خلاق کودک و توانایی استفاده از فرآیندهای خلاق همگی به وسیله محیط کلاس، معلم، خود اتاق، مواد آموزشی مورد استفاده و سایر دانش‌آموزان، تحت تأثیر قرار می‌گیرد. معلمینی که می‌خواهند خلاقیت را در کلاس‌های‌شان پرورش دهند، بایستی از یکسری راهنمایی‌های اولیه چون درک فرآیند خلاق، آزاد گذاردن کلاس از فشار، پاداش دادن به رفتار خلاق، درنگ نمودن در قضاوت و داوری، انتخاب موضوعات و مواد مناسب، الگوی رفتار خلاق به کارگیری فعالیت‌هایی که سبب برانگیختن خلاقیت شود، پیروی نمایند. (آماییل،

یکی دیگر از عناصر اساسی آموزش در شکوفایی خلاقیت دانش آموزان کتب درسی می باشد. محتوای کتب درسی بایستی به گونه ای انتخاب و تنظیم شوند که با نیازهای رشدی دانش آموزان، علائق آنان در ارتباط باشند و آنان را به تفکر و تعمق و جستجو و تحقیق ترغیب نماید. آیزنر^۱ (۱۹۹۱) در این مورد بیان می کند: "محتوای درس باید فرصت هایی را در اختیار یادگیرندگان قرار دهد که درباره زمینه مورد بحث به گفتگو و ابراز نظر بپردازند. این موقعیت ها به آنها فرصت فرمول بندی نظرات، دفاع از قضاوت های خودشان را بدهد."

محتوای کتب بایستی به گونه ای سازماندهی شوند که در یادگیری مفاهیم و پرورش آنها، یادگیرنده خود با توجه به فعالیت هایی که برای او تحت عنوان فعالیت های یادگیری تدارک دیده می شود به امر یادگیری اقدام کند. (به نقل از مرعشی، ۱۳۷۲)

در مقایسه ای که تورنس و همکارش در زمینه اندازه گیری تفکر خلاق در سال های ۱۹۷۶ و ۱۹۸۲ انجام دادند دریافتند که تغییر در اهداف تدریس و شیوه های تدریس و مواد آموزشی سبب افزایش نمرات و بهبود عملکرد دانش آموزان در آزمون خلاقیت گردید. (تورنس و سافت، ۱۹۸۶) مرعشی (۱۳۷۲) در زمینه تحلیل محتوای کتب علوم دوره ابتدایی بیان می کند: "تمامی کتب درسی علوم ابتدایی از نظر تکالیف و پرسش ها به اولین سطح اعمال ذهنی یعنی حافظه شناختی بیشتر از سطوح دیگر طبقه بندی گیلفورد، توجه نموده اند..."

با توجه به تحقیقات انجام شده می توان دریافت خلاقیت کیفیتی است که جهت رشد و شکوفایی نیازمند عوامل گوناگون می باشد. از این رو، در این پژوهش با توجه به عوامل مؤثر ذکر شده در ادبیات تحقیق به دنبال بررسی نقش عوامل درون مدرسه (کتاب های درسی و شیوه تدریس معلمین) و عامل بیرون مدرسه (خانواده) برآمدم.

روش پژوهش :

روش پژوهش "روش کیفی"^۱ است. برای جمع‌آوری اطلاعات از روش مثلث‌سازی^۲ استفاده شده است. شیوه مثلث‌سازی مورد استفاده در این پژوهش مثلث‌سازی در روش^۳ است که به سه شیوه مصاحبه، پرسشنامه و تحلیل محتوا انجام می‌گیرد. مصاحبه با معلمان دروس فارسی و حرفه‌وفن و والدین نمونه مورد نظر صورت گرفته است، در قسمت پرسشنامه از آزمون مواد کاغذی دکتر عابدی برای سنجش میزان خلاقیت دانش‌آموزان استفاده شده است. جهت تحلیل محتوای کتب درسی مورد نظر شاخص‌های مربوط به خلاقیت مشخص شد و براساس آن کدگذاری صورت گرفته است و فراوانی‌ها و درصدها براساس کدها مشخص شده است.

جامعه آماری

جامعه مورد پژوهش، دانش‌آموزان دختر دوره راهنمایی شهر تهران در سال تحصیلی ۷۵-۱۳۷۴، معلمان فارسی و حرفه‌وفن و کتاب‌های درسی فارسی و حرفه‌وفن دوره راهنمایی می‌باشد.

نمونه و شیوه نمونه‌گیری:

از آنجا که روش پژوهش روش کیفی است و در پژوهش کیفی به دنبال کسب اطلاعات عمیق می‌باشیم از بین مناطق ۲۰ گانه آموزش و پرورش تهران منطقه ۲ به عنوان نمونه مورد بررسی انتخاب گردید و از این منطقه دو مدرسه، یک مدرسه دولتی و یک مدرسه غیرانتفاعی و از هر مدرسه، سه پایه اول، دوم و سوم راهنمایی انتخاب شده است. به دلیل اهمیت تجربه آموزش و کلاس و نقش معلم در روند آموزشی با تمام معلمان فارسی و حرفه‌وفن هر دو مدرسه دولتی و غیرانتفاعی مصاحبه به عمل آمده است، به عبارت دیگر ۵ معلم فارسی و ۳ معلم حرفه‌وفن در مدرسه دولتی و ۲ معلم فارسی و ۲ معلم حرفه‌وفن در مدرسه غیرانتفاعی مورد مصاحبه قرار گرفتند

1- Qualitative Research Methodology

2- Triangulation

3- Methodological triangulation

که جمعاً تعداد معلمین مورد مصاحبه ۱۲ تن می‌باشند. از آنجا که در بررسی شیوه تدریس این دروس به دنبال مصاحبه با افرادی بودیم که بیشترین اطلاعات را در زمینه نحوه تدریس و تأثیرش بر خلاقیت به ما ارائه دهد، از نمونه گیری هدفمند^۱ از نوع نمونه گیری زنجیره‌ای یا گلوله برفی^۲ استفاده نمودیم. هم‌چنین با استفاده از نتایج پرسشنامه خلاقیت نمونه‌های افراطی و تفریطی^۳ (خلاق بالا، خلاق پایین) به تعداد ۲۰ دانش‌آموز انتخاب شدند (از هر مدرسه ۱۰ نفر خلاق بالا، ۵ نفر خلاق پایین) و با والدین این گروه از دانش‌آموزان جهت بررسی شیوه‌های فرزندپروری مؤثر در رشد خلاقیت مصاحبه صورت گرفت. علاوه بر نمونه‌های ذکر شده ۶ کتاب فارسی و حرفه‌وفن در سه پایه تحصیلی دوره راهنمایی هم نمونه مورد پژوهش را تشکیل داده‌اند. (مهران، گلنار، ارزشیابی آموزشی، ۱۳۷۴)

روش جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات:

یکی از روش‌های مورد استفاده جهت جمع‌آوری اطلاعات مصاحبه بوده است. به دلیل تعیین سؤالات مصاحبه پیش از انجام مصاحبه و آزاد بودن مصاحبه شوندگان در پاسخگویی به سؤالات و سهولت در انجام تجزیه و تحلیل داده‌ها از مصاحبه باز استاندارد شده^۴، استفاده گردید. متن مصاحبه معلمین از ۱۵ سؤال تشکیل شده است. به دلیل آنکه تورنس و گرتزل در تحقیقات متعدد خود خصوصاً تورنس، به یافته‌های جالبی در زمینه رشد و پرورش خلاقیت دست یافته‌اند، از این رو در طرح سؤالات متن مصاحبه معلمین از پیشنهادها و راهبردهای عملی که تورنس و گرتزل در زمینه رشد و توسعه تفکر خلاق از طریق تجارب مدرسه ارائه کرده‌اند، استفاده گردید. جهت طرح سؤالات مصاحبه والدین از عوامل اساسی و مهمی که ترزا آمابیل در مورد شکوفایی خلاقیت کودکان در منزل نام برده است، استفاده شده است. متن مصاحبه والدین از ۱۳ سؤال تشکیل شده

- 1- Purposeful Sampling
- 2- Snowball or Chain Sampling
- 3- Extreme and Deviant Case Sampling
- 4- The Standardized open-ended Interview

است. در تحلیل محتوای کتب درسی شاخص‌های خلاقیت - سیالی^۱، ابتکار^۲، انعطاف‌پذیری^۳، بسط^۴، حل مسئله^۵ - به ترتیب بصورت ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ کدگذاری شدند. سپس فراوانی تمرین‌ها، پرسش‌ها و کارهای عملی موجود در کتاب‌ها براساس در برگرفتن شاخص‌ها مورد نظر مورد بررسی قرار گرفت و درصدهای مورد نظر محاسبه و جدول‌های فراوانی و درصد مربوط به هر درس تهیه گردید.

روش دیگر مورد استفاده در این پژوهش جهت جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه بود که در این روش از آزمون مداد و کاغذی خلاقیت دکتر عابدی جهت سنجش خلاقیت کل دانش‌آموزان مدارس دولتی و غیرانتفاعی استفاده شد.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات: تجزیه و تحلیل اطلاعات از طریق روش استقرایی^۶ صورت گرفت. در این پژوهش با استفاده از روش استقرایی دانش‌آموزان از نظر خلاقیت و معلمین از جهت رشد خلاقیت شیوه‌های تدریس گوناگون، براساس داده‌های به دست آمده به طبقه‌بندی دانش‌آموزان براساس میزان خلاقیت آنها و معلمین از نظر بکارگیری شیوه‌های خلاق در تدریس و شیوه‌های غیرخلاق اقدام شد. چون طبقه‌بندی توسط ارزشیاب صورت گرفته است، طبقه‌بندی از نوع تحلیل‌گر ساخته^۷ می‌باشد، و چون در پی یافتن مشترکات (وجوه اشتراک) بین معلمین و هم‌چنین دانش‌آموزان و جایگزین نمودن آنها در یک طبقه بودیم، طبقه‌بندی از نوع همگرا^۸ براساس تجانس درونی^۹ اعمال شده است. طبقه‌بندی براساس وجوه افتراق^{۱۰} نیز انجام گرفته است.

-
- 1- Fluency
 - 2- Originality
 - 3- Flexibility
 - 4- Elaboration
 - 5- Problem Solving
 - 6- Analyst - Constructed
 - 7- Analyst - Constructed
 - 8- Convergence
 - 9- Internal homogeneity
 - 10- Divergence

بدین ترتیب که تفاوت دانش‌آموزان در خلاقیت در نظر گرفته شد و براساس آن طبقه‌بندی صورت گرفت تا به دلایل تفاوت خلاقیت پی برده شود. هم‌چنین جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از ماتریس^۱ هم استفاده گردید. به این ترتیب که براساس سؤالات مصاحبه معلمین، بخش‌های کلیدی پاسخ‌های معلمین در هر یک از خانه‌های ماتریس درج شده است. در مجموع چهار ماتریس برای مصاحبه معلمین تهیه شد که ماتریس‌های مورد نظر از این قرار می‌باشد. ماتریس معلمین فارسی مدرسه دولتی و معلمین فارسی مدرسه غیرانتفاعی، ماتریس معلمین حرفه‌وفن مدرسه دولتی و معلمین حرفه‌وفن مدرسه غیرانتفاعی، ماتریس معلمین فارسی و حرفه‌وفن مدرسه دولتی و ماتریس معلمین فارسی و حرفه‌وفن مدرسه غیرانتفاعی. به این ترتیب با استفاده از ماتریس به داده‌های حاصل از مصاحبه معلمین نظم داده شد.

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات حاصل از مصاحبه با والدین اقدام به تشکیل جدول فراوانی براساس عوامل گنجانده شده در متن سؤالات و تعیین درصدها نمودیم تا از طریق مقایسه فراوانی‌ها و درصدهای به دست آمده به مقایسه شیوه‌های فرزندپروری والدین دانش‌آموزان با خلاقیت بالا با والدین دانش‌آموزان با خلاقیت پایین پرداخته شود. (مهران، ۱۳۷۴)

یافته‌های تحقیق :

در تحلیل محتوای کتاب‌های درسی فارسی و حرفه‌وفن ملاحظه شد که کتاب‌های مورد نظر در فراهم ساختن شرایطی مناسب جهت رشد و پرورش خلاقیت در دانش‌آموزان سهم اندکی دارند. با توجه به ویژگی‌های رشدی نوجوانان در دوره راهنمایی و نحوه تفکر این گروه سنی مشاهده گردید که در برنامه‌ریزی کتاب‌های درسی و تدوین مطالب به این عوامل توجه نشده است. به طوری که در کتاب فارسی سال سوم راهنمایی پرسش‌ها و تمرین‌هایی که بتواند سبب برانگیختن خلاقیت دانش‌آموزان و ترغیب آن‌ها به ابتکار و ارائه راه‌حل‌های نو و بدیع شود، نسبت به سال اول و دوم راهنمایی کمتر می‌باشد. برای مثال از مجموع ۳۴۲ پرسش و تمرین کتاب فارسی

سال سوم راهنمایی تنها ۰/۰۰۳/ بخش سیالی، ۰/۰۰۹/ بخش ابتکار، ۰/۰۰۲/ حل مسئله را در بر می‌گیرد. در مجموع پرسش‌ها و تمرین‌های کتاب‌های فارسی و حرفه و فن همگی در چهارچوب مطالب ارائه شده در متن درس می‌باشد و دانش آموز در پاسخگویی به پرسش‌ها و تمرین‌ها تنها متکی به محفوظات و تکرار اطلاعات ارائه شده می‌باشد.

جدول درصد عوامل خلاقیت کتاب فارسی سال اول

جدول درصد عوامل خلاقیت کتاب فارسی سال دوم

راهنمایی

سیالی	ابتکار	انعطاف‌پذیری	بسط	حل مسئله
۰/۰۰۹	۰/۱۲	۰/۰۸	۰/۰۷	۰/۰۰۴

راهنمایی

سیالی	ابتکار	انعطاف‌پذیری	بسط	حل مسئله
۰/۰۰۳	۰/۱۲	۰	۰/۰۰۵	۰/۰۰۴

مجموع کل پرسش‌ها و تمرین‌های کتاب: ۲۷۶

مجموع کل پرسش‌ها و تمرین‌های کتاب: ۲۶۹

جدول درصد عوامل خلاقیت کتاب فارسی سال سوم

جدول درصد عوامل خلاقیت کتاب حرفه و فن سال اول

راهنمایی

سیالی	ابتکار	انعطاف‌پذیری	بسط	حل مسئله
۰/۰۰۳	۰/۰۰۹	۰	۰	۰/۰۰۳

راهنمایی

سیالی	ابتکار	انعطاف‌پذیری	بسط	حل مسئله
۰	۰/۰۱	۰	۰	۰/۰۱

مجموع کل پرسش‌ها و تمرین‌های کتاب: ۳۴۲

مجموع کل پرسش‌ها و کارهای عملی: ۶۹

جدول درصد عوامل خلاقیت کتاب حرفه و فن سال دوم

جدول درصد عوامل خلاقیت کتاب حرفه و فن سال سوم

راهنمایی

سیالی	ابتکار	انعطاف‌پذیری	بسط	حل مسئله
۰	۰	۰	۰	۰

راهنمایی

سیالی	ابتکار	انعطاف‌پذیری	بسط	حل مسئله
۰	۰/۰۳	۰	۰	۰

مجموع کل پرسش‌ها و کارهای عملی: ۴۲

مجموع کل پرسش‌ها و کارهای عملی: ۳۱

محتوای کتاب‌های درسی از جهت تأثیری که بر یادگیرنده می‌نهد می‌تواند وی را به تفکر و تعقل، استفاده از تجارب قبلی در برخورد با مسائل جدید و تجزیه و تحلیل مطالب وادارد. از این رو، نقشی مهم و سازنده در رشد و پرورش خلاقیت دانش‌آموزان ایفا می‌نماید. بنابراین در گزینش

پرسش‌ها و تمرین‌های درس، این امر بایستی در نظر گرفته شود که دانش‌آموزان در پاسخگویی به سؤالات تنها به تکرار مطالب و اطلاعات ارائه شده در متن درس اکتفا نمایند.

تورنس در کتاب خلاقیت خود بیان می‌دارد: "پرسش سؤالات برانگیزنده مسئله را به مسیر تفکری وسیع‌تر، عمیق‌تر و در جهت دیدی متفاوت می‌گشاید. این به نوبه خود به ایجاد ایده‌هایی که در غیر این صورت ایجاد نمی‌شد یا مورد بررسی قرار نمی‌گرفت منجر می‌گردد. سؤالات دارای چند سطح برانگیزندگی است. معمولاً پایین‌ترین سطح برانگیزندگی سؤالاتی است که با "آری" یا "نه" یا به وسیله یک کلمه پاسخ داده می‌شود. سطح بالاتری از برانگیزندگی وقتی است که سؤال فکر کننده را به دادن توضیحات یا اظهارات تفصیلی‌تری که اطلاعات فراهم می‌کند برمی‌انگیزد. سطح سوم برانگیزندگی وقتی حاصل می‌شود که سوال شخصی است و از فکر کننده سؤال می‌شود اطلاعات را به خود یا تجارب خود ربط دهد. یک سطح باز هم بالاتر وقتی حاصل می‌شود که فکر کنند. تفکر خود را به دنیای آینده یا یک دنیای خیالی افکنش داده و یا خود را به یک چیز یا یک دنیای جدید افکنش دهد."

سطح اول - آیا می‌توان یخ را در خلاء ایجاد کرد؟

سطح دوم - چگونه می‌توان یخ را به عنوان یک منبع انرژی به کار برد؟

سطوح سوم - وقتی به یخ نگاه می‌کنید، اشیاء در آن چگونه به نظر تان می‌آید؟

سطح چهارم - چه می‌شود اگر تمام یخ‌های قطبی آب شود؟

(تورنس، ئی‌پال، استعدادها و مهارت‌های خلاقیت و راه‌های آموزش و پرورش آن‌ها، ۱۳۷۲،

صص ۵۷-۵۸)

با توجه به ساخت و ترکیب پرسش‌ها و براساس توضیحاتی که تورنس در مورد میزان برانگیزندگی سؤالات ذکر نموده است، می‌توان برای نمونه گفت پرسش‌های مطرح شده در فصول کتب حرفه‌وفن دوره راهنمایی از لحاظ برانگیزندگی در سطح دوم می‌باشد.

تورنس و هارمون^۱ (۱۹۶۱) بیان می‌کنند: "وقتی به خوانند مطالب یک کتاب می‌پردازید به موارد استفاده مختلف اطلاعاتی که در آن کتاب به آن بر می‌خورید بیندیشید. خیلی اهمیت دارد که به راه‌هایی که می‌توانید اطلاعات خواننده شده را در زندگی شخصی و حرفه‌ای خود به کار برید فکر کنید. تنها به این سؤال اکتفا نکنید که "مؤلف چه می‌گوید" از خود پرسید که "چگونه می‌توانم آنچه را که نویسنده نوشته است مورد استفاده قرار دهم؟" (سیف، علی‌اکبر، روان‌شناسی پرورشی، ۱۳۷۱، ص ۵۵۳)

در بررسی شیوه تدریس معلمین بعنوان یکی از عناصر اساسی آموزش و پرورش ملاحظه گردید که بعضی از معلمین از شیوه‌های فعال و خلاق در تدریس خود تا حد زیادی بهره می‌جویند. برای مثال این گروه از معلمین در تدریس‌شان به شیوه‌های فعالی چون انجام بحث گروهی و تبادل نظر در کلاس، ارائه برنامه‌های تحقیقی و کنفرانس به دانش‌آموزان، در نظر گرفتن تفاوت‌های فردی میان دانش‌آموزان، دارا بودن ارتباط عاطفی با دانش‌آموزان، معرفی کتب جانبی، به کارگیری شیوه آموزش به وسیله همسالان^۲، تشویق خلاقیت دانش‌آموزان، حاکم نمودن جوی عاری از فشار و تنش در کلاس و ... اشاره نمودند. برای مثال در مورد وجود تفاوت‌های فردی میان دانش‌آموزان و تأثیرش بر شیوه تدریس معلم، یکی از معلمین فارسی که از شیوه فعال در تدریس‌اش استفاده می‌نمود بیان کرد: "آن‌هایی که از جهت گفتاری گاهی مشکلاتی دارند از بابت این که نمی‌توانند کلمات را ادا کنند. به این‌ها گفتم حتماً باید مطلبی بنویسند و بیایند و بخوانند و هر گاه که مطلب‌شان را نیاورند، موظف‌شان می‌کنم که بیایند جلوی کلاس و در زمینه‌هایی که از آنها سؤال می‌کنم، مطالبی بگویند تا وادار به صحبت بشوند." یکی دیگر از معلمین فعال در این زمینه بیان نمود: "سعی می‌کنم بچه‌های ضعیف را بیشتر بیاورم و از آن‌ها استفاده کنم، برای دانش‌آموز ضعیف مطلب را بیشتر تکرار می‌کنم. بیشتر سعی می‌کنم او را وارد

1- Harmon

2- Peer tutoring

بحث کنم، بیشتر از او سؤال می‌کنم، یا این که می‌گویند خانم فلائی درسش خوبه با من کار کند، درس را برای من توضیح بده.

در مقابل دو تن از معلمینی که به شیوه تدریس فعال مجهز نبودند در این خصوص بیان نمودند: " ... با صحبت‌های دوستانه ... تنیه هم می‌کنم و معمولاً از بابت نمره دلشان را خالی می‌کنم که بچه بخاطر کسب نمره بیشتر سعی می‌کند مشکلش را برطرف کند" معلم دیگر بیان نمود: " ... با آن‌ها صحبت می‌کنیم، با تهدیدهایی نه خیلی سرزنش کننده، که آن دانش‌آموز بتواند خودش را با کلاس وفق بدهد." یا برای مثال معلم دیگر در این زمینه عنوان نمود: "برای دانش‌آموزان ضعیف‌تر درس را بیشتر توضیح می‌دهم ..."

با اشاره به یکی از موارد (تفاوت‌های فردی در دانش‌آموزان) در مصاحبه مشخص گردید که معلمین خلاق در برخورد با این امر به شیوه‌هایی چون بحث گروهی، آموزش به وسیله همسالان و شرکت دادن آن‌ها در کلاس اشاره نمودند، در صورتی که معلمین غیرخلاق به شیوه‌های غیرفعال مانند ارائه توضیح بیشتر به دانش‌آموز ضعیف، سرزنش و تهدید به نمره اشاره نمودند که نمایانگر وجود جوئی معلم محور و سنتی در کلاس می‌باشد. با توجه به یکسانی کتاب‌های درسی و حجم آن‌ها و محدودیت زمانی هر درس برای هر دو گروه معلمین مدرسه دولتی و غیرانتفاعی و تعداد کمتر دانش‌آموزان در مدارس غیرانتفاعی، انتظار می‌رفت که معلمین مدرسه غیرانتفاعی از فرصت و امکان بیشتری جهت برانگیختن خلاقیت دانش‌آموزان برخوردار باشند اما در این زمینه ملاحظه شد مدرسه دولتی علیرغم تعداد زیاد دانش‌آموزان از راهبردهای مؤثرتر و مفیدتری جهت پرورش تفکر خلاق در دانش‌آموزان بهره می‌جویند.

در بررسی و مقایسه‌ای که میان خانواده‌های خلاق و کمتر خلاق صورت گرفت مشاهده شد که والدین دانش‌آموزان با خلاقیت بالا، نسبت به استعدادها و توانایی‌ها و علائق فرزندشان آگاهی کامل داشته‌اند و فرصت‌ها و امکاناتی را هم در جهت شکوفایی استعدادها و علائق فرزندشان در اختیار آنان قرار می‌دهند. تصویر ذهنی که این دسته از والدین از فرزندان‌شان دارا می‌باشند تصویری مثبت و امیدوار نسبت به آینده آن‌ها می‌باشد. برای مثال یکی از مادران دانش‌آموزان با خلاقیت بالا در این مورد بیان نمود: "فکر می‌کنم یک روزی اگر به او بال و پر بیشتری بدهیم، اگر

به او امکانات بیشتری بدهیم، اگر ذوق بیشتری به او بدهیم، من فکر می‌کنم بتواند یک نقاش خوبی بشود.

در مقابل یکی از مادران دانش‌آموزان با خلاقیت پایین در این مورد عنوان نمود که متأسفانه تصویر واضح و روشنی از آینده فرزندش ندارد. تنرا آماییل درخصوص اهمیت تصویر ذهنی والدین از فرزندانشان بیان می‌کند: "والدین کودکان خلاق تصویر ذهنی روشنی از آینده کودک خود به عنوان یک فرد مستقل و مجزا، شایسته احترام و صحبت دارند که می‌توان انتظار داشت در هر شرایطی به صورت یک فرد پای‌بند اخلاق و مسئول عمل کند. به علاوه به آن کودک به چشم شخصی نگاه می‌کنند که قادر است کارهای بزرگ و خلاق را با تمام استعدادها و مهارت‌هایی که دارا می‌باشد، انجام دهد. برای مثال وی در مورد مادر یکی از موسیقیدانان بزرگ (پابلو کاسالز) بیان می‌کند: "وی تا حدودی می‌دانست که فرزندش روزی موسیقیدان بزرگی خواهد شد، هر چند که آن تصویر ذهنی ساخته خود او نبود، بلکه ناشی از توجه توأم با محبت او به مهارت‌های خاص و عمیق‌ترین علائق فرزندش بود ..."

در مجموع شیوه‌های فرزندپروری خانواده‌های دانش‌آموزان با خلاقیت بالا با شیوه‌های فرزندپروری خانواده‌های دانش‌آموزان با خلاقیت پایین در زمینه شکل‌گیری انتظارات والدین از موفقیت‌های تحصیلی براساس توانایی‌های فرزند، قرار دادن فرصت‌ها و امکانات در جهت علائق و استعداد‌های فرزند، آزادی نسبی فرزند در تصمیم‌گیری و انتخاب‌های شخصی، داشتن تصویر ذهنی مشخص و مثبت از فرزند از سوی والدین، داشتن ارتباط صمیمی و متعادل، اهمیت کسب نمره و تعیین استاندارد برای نمره از سوی والدین تفاوت بارزی وجود داشت. در موارد ذکر شده خانواده‌های با خلاقیت بالا از فاکتورهای مؤثرتر و کارآمدتری جهت پرورش خلاقیت در فرزندشان بهره می‌جویند. در مجموع آن‌چه که از بررسی تطبیقی شیوه‌های تدریس معلمان، تحلیل محتوای کتب فارسی و حرفه‌وفن و شیوه‌های فرزندپروری والدین حاصل شده است این نتیجه به دست می‌آید که خانواده‌ها و معلمان فعال در تدریس تا حدودی از راهبردها و شیوه‌های مؤثر در رشد خلاقیت استفاده می‌نمایند و بیشترین کمبود و ضعف از جانب کتاب‌های درسی به عنوان یک پدیده درون مدرسه می‌باشد. مدرسه و یا در سطح وسیع‌تر نظام آموزشی با در نظر

گرفتن تمهیدات و شیوه‌های مؤثر در برخورد با این کیفیت و در جای خود آشنا ساختن والدین با شیوه‌ها و راهبردهای مؤثر جهت برخورد با استعداد‌های بالقوه و علائق فرزندان‌شان، در این راستا می‌تواند گام مؤثری بردارد. تأکید نظام آموزشی و به تبع آن مدرسه بر برنامه‌های کلیشه‌شده و تعیین چهارچوب‌های درسی غیرقابل انعطاف جهت فعالیت دانش‌آموزان، تأکید بر شیوه سنتی و معلم محور، در امر یاددهی، ارزیابی عملکرد و فعالیت‌های دانش‌آموزان براساس نمره و شکل‌گیری یک نظام امتحان محور و متعاقب آن ایجاد جوی همراه با رقابت شدید میان دانش‌آموزان جهت ربودن گوی موفقیت تحصیلی از یکدیگر، از طریق کسب معدل بالاتر، عدم آگاهی معلمین نسبت به لزوم و اهمیت پرورش خلاقیت دانش‌آموزان، گنجاندن مطالبی در کتب درسی به عنوان یکی از عناصر اصلی نظام آموزشی که فقط سبب ترغیب دانش‌آموزان به استفاده از تفکر همگرا و قالبی و افت روحیه جستجو و تحقیق در آن‌ها می‌گردد، همگی می‌توانند خلاقیت بالقوه کودکان را در معرض خطر جدی قرار دهد. در این میان مسلماً خانواده‌هایی یافت می‌شوند که نسبت به اهمیت و لزوم پرورش این نیروی بالقوه در فرزندان خود آگاهی چندانی ندارند و یا حتی لزوم رشد و پرورش آن را هنوز احساس ننموده‌اند. ورود کودک به مدرسه با چنین زمینه تربیتی و حاکمیت جوی کلیشه‌ای و غیرقابل انعطاف در مدرسه می‌تواند سبب خاموش شدن جرقه‌های خلاقیت در کودک شود. مدرسه یا به عبارتی نظام آموزشی به عنوان عنصری مؤثر و کارآمد در رشد ذهنی، روانی، اجتماعی و اخلاقی دانش‌آموزان با استفاده از راهبردها و شیوه‌های مؤثر می‌تواند هم سهم خود را در قبال پرورش تفکر خلاق در دانش‌آموزان ایفا نماید و هم در چهارچوب‌های ذهنی والدین از موفقیت‌های تحصیلی فرزندان‌شان و سایر ابعاد شیوه‌های فرزندپروری آنان تعدیل ایجاد نماید.

پیشنهادها :

با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان پیشنهادهای زیر را ارائه نمود:
درج تمرین‌ها و پرسش‌هایی در کتاب‌های درسی که دانش‌آموزان را به استفاده از تفکر واگرا، تحقیق و جستجو ترغیب نماید. هم‌چنین تدوین کتاب‌های درسی به گونه‌ای که دانش‌آموزان خود

را در برابر مسئله‌ای احساس نمایند و برای آن راه‌حل‌های ابتکاری و جدید ارائه دهند. استفاده از موضوعاتی بحث‌انگیز در دروس به طوری که معلم و دانش‌آموزان را به بارش مغزی یا بحث گروهی تشویق نماید. کارهای عملی گنجانده شده در کتاب حرفه و فن به گونه‌ای باشد که از دانش آموز طرح‌های نو و بدیع بخواهد. هم‌چنین برای واحدهای درسی معین در کتاب‌ها، پروژه‌های فردی و گروهی در نظر گرفته شود تا هم دانش‌آموزان با فعالیت‌های تحقیقی و موقعیت‌های مسئله برانگیز آشنا شوند و هم معلمین در رابطه با چنین تمرین‌هایی در شیوه‌های کلیشه‌ای خود تعدیل نمایند. در طی مصاحبه‌هایی که با معلمین فارسی انجام شد عده‌ای از معلمین معتقد بودند به منظور بکارگیری شیوه فعال و پرورش دهنده خلاقیت حجم کتاب‌های فارسی بایستی کاهش یابد تا بدین طریق فرصت بیشتری در کلاس برای انجام بحث گروهی و فعالیت‌های تحقیقی فراهم شود. از این رو، پیشنهاد می‌شود از سوی مسئولان در حجم کتاب‌های فارسی تجدیدنظرهایی صورت گیرد.

در طی مصاحبه با معلمین، تعدادی از معلمین اظهار داشتند به دلیل آنکه چهارچوب و ساختار امتحانات از سوی اداره آموزش و پرورش تعیین می‌شود بنابراین به دلیل کمبود وقت چندان نمی‌توانیم در ارائه دروس انعطاف‌پذیری نشان دهیم. این دسته از معلمین معتقد بودند بهتر است اختیار برگزاری امتحانات به معلمین و مسئولان مدرسه محول شود. از این رو پیشنهاد می‌شود که در نظام امتحان محور و برنامه‌های کلیشه‌شده از سوی اداره آموزش و پرورش مبنی بر تعیین چهارچوب خاص امتحانات دانش‌آموزان تعدیل صورت گیرد و از تعیین چهارچوب و ساختارهای غیرقابل انعطاف جهت برنامه‌ریزی‌های درسی اجتناب شود.

کمک گرفتن از دانش‌آموزان در انجام فعالیت‌ها و مسئولیت‌های کلاس توصیه می‌گردد. زیرا این امر سبب فعالیت بیشتر دانش‌آموزان در کلاس و احساس مسئولیت در آن‌ها می‌شود. برای مثال دانش‌آموزان هم در برنامه‌ریزی‌های مربوط به رعایت انضباط و قوانین و مقررات در کلاس، فعالیت‌های تحقیقی و ... شرکت نمایند. در طی مصاحبه‌ها یکی از معلمین به شیوه جالبی به منظور به فعالیت و داشتن دانش‌آموزان و استفاده از آنان در کارهای کلاس اشاره نمود - استفاده از دانش‌آموزان به عنوان منقد و داور به منظور قضاوت در مورد انشاءهای دانش‌آموزان. آشنا ساختن

معلمین با شیوه‌های خلاق تدریس مانند بحث گروهی و تبادل نظر در کلاس، ارائه کارهای تحقیقی به دانش‌آموزان، معرفی کتب جانبی از سوی معلمین به دانش‌آموزان در حوزه علائق آن‌ها، تأکید معلمین و سیستم آموزشی بر یادگیری نه آزمون و نمره‌ها، تحریک حس کنجکاوی دانش‌آموزان از طریق مطرح ساختن سؤالاتی در مورد درس، به طوری که دانش‌آموزان را به تفکر و تعمق وادارد. به عنوان نمونه برخی از معلمین اذعان داشتند که درس را با طرح سؤال آغاز می‌کنند. در نهایت در نظر گرفتن تفاوت‌های فردی موجود میان دانش‌آموزان و تغییر در شیوه‌های تدریس و کلاسداری متناسب با این تفاوت‌ها، از دیگر پیشنهادات به عوامل درون مدرسه می‌باشد. در مورد عامل برون مدرسه یا شیوه‌های فرزندپروری والدین می‌توان پیشنهادهای زیر را ارائه نمود: دادن فرصت و اجازه به فرزندان از سوی والدین تا در مورد موضوعات مختلف، علائق و احساساتشان صحبت نمایند. در نظر گرفتن توانایی‌ها، استعدادها و علائق فرزندان از سوی والدین و شکل‌دهی انتظارات براساس توانایی‌ها و استعدادها و قرار دادن فرصت‌ها و امکانات جهت شکوفا ساختن استعدادها و علائق فرزندان. احترام گذاردن به فرزندان و شرکت دادن آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی از سوی والدین، دارا بودن تصویر ذهنی مشخص و امیدوار بودن به موفقیت فرزندان در رشته مورد علاقه‌شان و قرار دادن فرصت‌هایی در این جهت. در پایان پیشنهاد می‌شود، اگر چه مادر در پرورش فرزند دارای نقش مهمی است، لیکن مصاحبه با پدران نیز می‌تواند حاوی اطلاعات بسیار غنی باشد (این مسئله در یکی از مصاحبه‌ها در رابطه با یکی از دانش‌آموزان با خلاقیت بالا که بیشترین تأثیر را در این زمینه، پدر دانش‌آموز داشته است، مورد مشاهده قرار گرفت). اجرای پژوهش بر روی سایر دوره‌های تحصیلی و تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دیگر و شیوه‌های تدریس معلمین دروس دیگر در دوره‌های مختلف تحصیلی و سایر مناطق آموزش و پرورش پیشنهاد می‌شود.

منابع

- آماییل، ترزا. شکوفایی خلاقیت کودکان. ترجمه دکتر حسن قاسم‌زاده، پروین عظیمی. تهران: نشر دنیای نو، ۱۳۷۵.
- تورنس، ئی پال. استعدادها و مهارتهای خلاقیت و راههای آموزش و پرورش آنها. ترجمه دکتر حسن قاسم‌زاده. تهران: نشر دنیای نو، ۱۳۷۲.
- جاویدی کلاته جعفرآبادی، طاهره. بررسی رابطه جو عاطفی خانواده با خلاقیت کودکان. استاد راهنما: دکتر غلامعلی افروز، ۱۳۷۳.
- سیف، علی‌اکبر. روان‌شناسی پرورشی. تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۷۱.
- شهرآرای، مهرناز. "بسی‌تعلیم و تربیت پویا"، دومین سمپوزیوم جایگاه تربیت در آموزش و پرورش دوره ابتدایی، مجموعه مقالات دومین سمپوزیوم. انتشارات تربیت، ۱۳۷۲، صص ۴۳۷-۴۴۹.
- صناعی مقدم، محمدتقی. "تربیت خلاق". ماهنامه آموزش و پرورش، شماره ۱، دوره ۴۶، مهر ۱۳۵۵.
- کفایت، محمد. بررسی ارتباط شیوه‌ها و نگرش‌های فرزندپروری با خلاقیت و رابطه متغیر اخیر با هوش و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان سال اول دبیرستان‌های پسرانه اهواز. استاد راهنما: دکتر حسین شکرکن، دانشگاه اهواز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۷۳.
- نفرانکویس، گای‌آر. روان‌شناسی برای آموزش. ترجمه دکتر منیجه شهنی ییلاق. تهران: انتشارات رشد، ۱۳۷۰.
- مرعشی، منصور. بررسی تطبیقی پرسش‌ها و تکالیف کتب درسی علوم تجربی دوره ابتدایی با عوامل خلاقیت گیلفورد. استاد راهنما: دکتر علیرضا کیامنش، دانشگاه تربیت معلم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۷۲.
- مهران، گلنار. جزوه درس ارزشیابی آموزشی. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهراء، پاییز ۱۳۷۴.

Baker, Margart, Mawr College, Bryn. "Teacher Creativity and its effect on student creativity". Creative Child and Adult Quarterly, 1979, Vol. 4, PP. 20-29.

Barrow, Robin, Milburn, Geoffrey. "Creativity". A Critical Dictionary Of Educational Concepts. New York And London: Teachers College, Columbia University, 1990.

Penick, E.John. "What Research Says: Encouraging Creativity". Science and Children, February 1983.

Torrance, E.Paul, Safter, H.Tammy. Are Children Becoming More Creative?. Journal Of Creative Behavior, Vol. 20, No 1, 1986, PP.1-13.

Wendel, Robert, Heiser, Sandra. "Effective Instructional Characteristics of Teachers of Junior High School Gifted Students". Roper Review, Vol. II, No 3, 1989, PP. 151-153.



شروېشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انساني